

حمایت از بزه‌دیدگان اعتباری در جرایم اقتصادی

مهدی صبوری پور*

سید پوریا موسوی**

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶

چکیده

نظام سیاسی اقتصادی برای توسعه و ارتقای بهبود در سطح جهانی نیازمند ایجاد و تولید سرمایه در عرصه‌های مختلف است. در چند دهه اخیر بروز پدیده‌های ناپه‌نچار مرتبط با نظام اقتصادی، به‌ویژه مفاسد اقتصادی، سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را با چالش‌های جدی مواجه ساخته‌اند. از جمله این آثار نامطلوب می‌توان به آگاهی و فقدان اعتماد بزه‌دیدگان مفاسد اقتصادی به این نظام اشاره کرد. موضوعی که پیش از آنکه گریبان‌گیر بزه‌دیدگان حقیقی باشد، نظام اقتصادی را نشانه می‌رود و اسباب فروپاشی بنیان‌های سرمایه‌گذاری و توسعه را پدیدار می‌سازد. بدین‌سان، این نوشتار درصدد است تا بآیندی کلی از بزه‌دیدگی و قرائتی مشخص از رویکردهای بزه‌دیده‌شناختی در مفاسد اقتصادی ارائه دهد تا از رهگذر آن بتوان دریچه‌های مطالعات عمیق‌تر و رهیافت‌های عملی را گشود.

کلید واژگان:

بزه‌دیده‌شناسی، جرم اقتصادی، سیاست‌گذاران اقتصادی، مجموعه قوانین اقتصادی، نظام اقتصادی.

* استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

m_saboorigour@sbu.ac.ir

** دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

Seyeh_mousavi@sbu.ac.ir



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

جوامع از دیرباز تاکنون همواره بر عنصر مالی- اقتصادی به عنوان یک نظام زیربنایی که دوام و بقای حکومت‌ها را تضمین می‌کند، توجه و اهتمام بسیار داشته و دارند. گفتمان مقام‌های حاکمیتی از مسئولان عالی تا مراجع مادون، در چارچوب ایجاد امنیت اقتصادی که رفاه و آسایش عمومی و همگانی را به دنبال دارد، اسباب پیدایش مدل جدیدی از مدل‌های حکومتی را در چند دهه اخیر تحت عنوان «دولت رفاه»^۱ فراهم کرده است^۲ که در پرتو آن، دولت- حاکمیت باید تمام توان و قدرت خود را برای ایجاد و اجرای تدابیر رفاهی شهروندان به عمل آورد^۳ و از گذر آن حاکمیتی مطلوب را بنیان نهد.^۴

به دنبال اندیشه افزایش رفاه اقتصادی که همواره زمینه‌ساز ایجاد آرامش و امنیت در سایر عرصه‌ها به شمار می‌آید، همه دولت‌ها تلاش‌هایی برای ایجاد و ضابطه‌مندسازی سیاست‌های اقتصادی نموده‌اند^۵ تا کنترل کُنش‌ها و واکنش‌های شهروندان را با سهولت بیشتری در اختیار گیرند. با وجود این، کشورهایی در عرصه افزایش و ایجاد رفاه در تمام سطوح پیشگام و موفق بوده‌اند که از نظام اقتصادی شفاف برخوردار بوده و توفیق در اجرای سیاست‌های اقتصادی خود را به پرده کشانده‌اند. در این جوامع که نوعاً متشکل از جوامع توسعه‌یافته و جزء کشورهای جهان اول محسوب می‌شوند، کسب اعتماد شهروندان و کاهش یا پیشگیری از بزهکاری‌های متأثر از

1. The welfare state

۲. رک: افتخارچهرمی، گودرز و حسین ادیب، **دولت رفاه، در: جنیدی، لعیا و نیازپور، امیرحسن «به کوشش»، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی**، ج ۱، تهران: انتشارات معاونت حقوقی رئیس جمهور، ۱۳۹۹، صص ۵۲۹ - ۵۳۳.

3. Clancy, Laura, *The Welfare State Reader*, Third Edition Pierson Christopher, Castles Francis G. and Naumann Ingela K. (eds), Polity Press, Cambridge, 2014, p 504.

۴. در همین راستا باید اشاره داشت که هر اندازه میزان رفاه در سطح جامعه بالا بوده و نظام سیاسی اقتصادی از منظر شهروندان در گستره‌ای رفاه‌مدارانه باشد، به همان میزان فساد اقتصادی نیز کاهش خواهد یافت. به دیگر سخن، ارتباط معناداری میان افزایش رفاه و کاهش فساد در یک جامعه وجود دارد. بنابراین، دولت رفاه را می‌توان مصداق بارزی از فسادزدایی اقتصادی تلقی نمود.

5. Wagle, Udaya R., *The Heterogeneity Politics of the Welfare State: Changing Population Heterogeneity and Welfare State Policies in High-Income OECD Countries, 1980-2005*, GPSA Journal The Georgia Political Science Association 2013-dec vol. 41, iss. 6, 2013, pp.947-984.

عوامل اقتصادی^۱ اولویت اساسی سیاست‌گذاران در تمام عرصه‌ها، اعم از عمومی، سیاسی، جنایی و... محسوب می‌شود.

اقتصاد و پدیده‌های مرتبط با آن، در بروز رویدادهای مختلف اجتماعی نقش آفرین هستند. چنان‌که گاه اقتصاد به‌عنوان موضوع جرم قرار می‌گیرد و پدیده‌ای به‌نام «جرایم اقتصادی» را متبلور می‌سازد و گاه از ارتکاب دیگر بزهکاری‌ها متأثر، و با پیامدهای نامطلوبی به صورت مستقیم و غیرمستقیم مواجه می‌شود. مانند آنکه بروز جرایم خشن و بزهکاری‌های خشونت‌بار در یک منطقه، بر رهیافت‌های اقتصادی آن منطقه همچون قیمت مسکن، نظام تولید و توزیع و... تأثیر قابل توجهی خواهد گذاشت. با وجود این، جرایم اقتصادی و فروعی که از این دسته بزهکاری‌ها مترسّم می‌شود، آثار به مراتب مخرب‌تری بر جامعه، شهروندان و بزه‌دیدگان خواهد گذاشت.

یکی از مهم‌ترین فروع برگرفته از «جرایم اقتصادی» که امروزه محوریت گفتمان سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاران در تمام سطوح، اعم از تقنینی، اجرایی و قضایی واقع شده، عبارت از مفاسد اقتصادی است که در نظام حقوقی ایران نیز نهادهایی برای مبارزه با این پدیده همچون «ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی» به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شده است. به‌رغم تولد این پدیده و ادبیات جدید در نظام عدالت کیفری، سیاست جنایی تقنینی ایران خواه در بُعد ملی و خواه در پهنه فراملی، هیچ تعریفی از پدیده «مفاسد اقتصادی» که مرتکب آن را مفسد اقتصادی می‌نامند، ارائه نداده است.^۲ برخی نویسندگان در تعریف فساد اقتصادی بیان داشته‌اند: «فساد اقتصادی یا مالی هرگونه کسب درآمدی است که از راه‌های نامشروع اعم از راه‌های مخالف قوانین نظم عمومی و اخلاق حسنه حاصل می‌شود و همچنین کلیه سوءاستفاده‌ها و داشتن مقاصد خصوصی با بهره‌گیری از موقعیت سیاسی، اجتماعی و مذهبی

۱. رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، «بزهکاری و شرایط اقتصادی (بحثی کوتاه درباره بزهکاری و بحران اقتصادی)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰، صص ۲۱۷-۲۳۰.

۲. باید توجه داشت که در مجموعه قوانین در گستره نظام عدالت کیفری اقتصادی، اگرچه جرم اقتصادی مورد توجه بوده و بعضاً گرانیگاه تولد و تحول قوانین مرتبط با بزه‌های اقتصادی قرار گرفته است، فساد اقتصادی و به‌دنبال آن مفسد اقتصادی مورد تعریف و تشریح قرار نگرفته‌اند. با وجود این، گفتمان سیاست‌گذاران و مسئولان عالی کشور در سطوح مختلف سیاست‌گذاری و اجرایی متمرکز بر فساد اقتصادی و همچنین مفسد اقتصادی است که این نوشتار نیز در پرتو این رهیافت به طلیعه قلم آراسته شده است.

خود و یا بدون تجویز قانونی باشد»^۱. اگرچه این تعریف تا حدودی مناسب است، به نظر می‌رسد که کامل نباشد؛ زیرا همان‌گونه که ماده ۱۲ «کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد»^۲ نیز پیش‌بینی کرده است، امکان تحقق فساد در بخش خصوصی نیز وجود دارد^۳ و بدین‌سان، فساد اقتصادی در تمام سطوح خرد و کلان نظام اقتصادی و در بخش‌های عمومی و خصوصی قابل تصور است. چه آنکه، امروزه به دلیل رشد و توسعه دامنه بخش خصوصی در گستره وسیعی از زندگی بشری، عدم پیش‌بینی و تحقق فساد در این عرصه، خود، ایجادکننده فساد خواهد بود.

به نظر می‌رسد که فساد اقتصادی امری و رایج جرم اقتصادی و مفسد اقتصادی حالت خطرناک شدت یافته مجرم اقتصادی است؛ زیرا فساد اقتصادی مقوله‌ای بوده که در بطن نظام اقتصادی یک جامعه نفوذ کرده و در صدد فروپاشی پایه‌های این نظام است. حال آنکه، جرم اقتصادی آثار جبران‌ناپذیری را به پیکره نظام اقتصادی وارد نمی‌کند و نهایتاً آثار سوئی را که - بعضاً - جبران‌پذیر است، متوجه نظام اقتصادی و اجتماعی یک جامعه می‌کند. مجرم اقتصادی شخصی است که حالت خطرناک بالایی دارد^۴ و ممکن است که پس از ورود به فرایند کیفری و تحمّل پاسخی که از سوی نظام عدالت کیفری و سیستم اجتماعی به وی تحمیل می‌شود، از ارتکاب جرم باز بماند یا آنکه به‌نحو گسترده مرتکب جرم اقتصادی نمی‌گردد؛ اما مفسد اقتصادی شخصی است که حالت خطرناک بسیار بالا دارد، ظرفیت جنایی او قابل توجه است و همانند موربان‌های نابودگر، اسباب ازهم‌گسیختگی و اخلال در نظام و سیاست‌های اقتصادی را پدید می‌آورد. از این نظر است که مطابق دیدگاه «ژرمی بنتام»^۵ مفسد اقتصادی، شخصی محاسبه‌گر

۱. ولیدی، محمد صالح، **حقوق کیفری اقتصادی**، ج ۲، ۱۳، تهران، انتشارات جنگل، ۱۴۰۲، ص ۳۴.

2. The United Nations Convention Against Corruption (UNCAC)

۳. ماده ۱۲: «هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، اقداماتی را اتخاذ خواهد نمود تا از فساد بخش خصوصی جلوگیری کند، استانداردهای حساسی و ممیزی را در بخش خصوصی ارتقا دهد و در صورت اقتضا، مجازات‌های مؤثر، بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری مناسب را به خاطر قصور در پیروی از چنین اقداماتی، در نظر بگیرد».

۴. ابراهیمی، شهرام و مجید صادق‌نژاد نائینی، «تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۵، ۱۳۹۲، صص ۱۴۷ و بعد.

۵. پرادل، ژان، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، ج ۱۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۰، ص ۷۷.

است که به دلیل برخورداری از هوش و ذکاوت بالا،^۱ نسبت به شناسایی بزه‌دیدگان خود مبادرت می‌ورزد و سرانجام به مقصود خود که همانا کسب سودها و مطامع سرشار و بالای اقتصادی است، نائل می‌آید. بر همین اساس است که نهادهای بین‌المللی متعدد، همچون صندوق بین‌المللی پول^۲ و بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه^۳ پژوهش‌های بسیاری در خصوص فساد انجام داده‌اند.^۴ بزهکاری‌های اقتصادی از جمله رفتارهای ضدهنجراند که بزه‌دیدگان آنها نوعاً اعتباری‌اند و در زمره «جرایم بدون بزه‌دیده»^۵ قرار می‌گیرند. در این راستا، مفساد اقتصادی نیز که در سطح کلان و با گستره شمول بزه‌دیدگان مواجه است، بدون تردید در این دسته از بزهکاری‌ها قرار می‌گیرد. رویکردهای بزه‌دیده‌شناختی همواره بر این عقیده است که چگونه می‌توان مفساد اقتصادی را در این پرتو مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد؟ به نظر می‌رسد که بررسی مفساد اقتصادی از منظر «بزه‌دیده‌شناسی ثانویه»^۶ و «بزه‌دیده‌شناسی بالینی»^۷ واجد توجه خواهند بود؛ چنان که فقدان و سلب اعتماد بزه‌دیدگان اعتباری و همه شهروندان نسبت به نظام و سیاست‌های اقتصادی، این عقیده را حاصل می‌کند که نظام اقتصادی ناکارآمد است و این ناکارآمدی از گذر

۱. گسن، ریمون، **جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی**، ترجمه شهرام ابراهیمی، چ ۳، تهران: نشر میزان، زمستان ۱۳۹۳، ص ۱۰۲.

2. International Monetary Fund (IMF)

3. International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)

4. ANDREI, **Tudorel**, et al, *The Corruption - An Economic and Social Analysis*, Editura Economică, 2009, p. 11.

۵. بدون تردید هر جرم با هر ماهیت واجد «بزه‌دیده» است؛ اما امکان دارد که برحسب ارزش و اعتباری که قانون‌گذار نسبت به جرم‌انگاری یک رفتار در نظر گرفته است، بزه‌دیده جرم را ملموس و واقعی - حقیقی یا آنکه او را اعتباری و مفروض در نظر گیرد. دسته اول که در گفتمان جرم‌شناسی به جرایم واجد بزه‌دیده موسوم‌اند، نوعاً در چارچوب جرایم قابل گذشت مورد بحث واقع می‌شوند و تعداد اندکی از عناوین مجرمانه را به خود اختصاص می‌دهند؛ اما گروه دوم که به جرایم بدون بزه‌دیده شهرت دارند و بخش اعظمی از عناوین مجرمانه را شامل می‌شوند، رویکردی است که حمایت‌کیفری علیه یک پدیده مورد توجه نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را دربر خواهد گرفت (رک: نجفی‌ایرندآبادی، علی حسین، **رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به بزه‌های بدون بزه‌دیده، در: رهامی، محسن «به کوشش» جرایم بدون بزه‌دیده**، چ ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹، صص ۱۱۵ و بعد).

۶. گفتمانی است که منظور از بزه‌دیده‌شناسی ثانویه یا حمایتی، گونه دوم بزه‌دیده‌شناسی است که بر حمایت از بزه‌دیدگان جرایم گوناگون متمرکز می‌شود. در این نوع از بزه‌دیده‌شناسی هدف، حمایت از بزه‌دیده‌ای است که در فرایند بزهکاری مداخله‌ای نداشته و سهمیم نبوده است.

۷. منظور از بزه‌دیده‌شناسی بالینی یا ثالث، آن‌گونه از بزه‌دیده‌شناسی است که به درمان بزه‌دیدگان مبادرت می‌ورزد. بزه‌دیده‌شناسی بالینی بر وزن جرم‌شناسی بالینی به‌دنبال جبران و ترمیم لطمات بزه‌دیده بوده که از فرایند بزهکاری نسبت به او ایجاد شده است.

رهیافت‌ها و موقعیت‌های نامتناسب و نامتعادل ایجاد خواهد شد. از این نظر است که همواره ترس از جرم در بزه‌دیدگان اعتباری و پیدایش سیاست‌های سرکوبگر و بدون اثر، از جمله دستاوردهایی است که می‌تواند به دنبال مفاسد اقتصادی متبلور و جلوه‌گر شود؛ اگرچه نظام عدالت کیفری به‌طور خاص به بزه‌دیدگان حقیقی اعتباری^۱ توجهی ندارد؛ اما تلاش کرده است که از گذر پیش‌بینی و وضع برخی قوانین سرکوبگر و بیشینه‌گرا، به حمایت از آحاد جامعه و سیاست‌های کلی اقتصادی بپردازد.

با وجود این، پرسش آن است که چگونه می‌توان از بزه‌دیدگان در فرایند بزهکاری‌های اقتصادی حمایت کرد؟ مفاسد اقتصادی چه تأثیری بر بزه‌دیدگان اعتباری دارند و در نهایت بروز پدیده‌های مرتبط با بزه‌های اقتصادی چه تأثیری را بر بزه‌دیدگان ایجاد خواهد کرد؟ از این‌رو، در چارچوب بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (الف) و همچنین پیش‌بینی قوانین بزه‌دیده‌مدار (ب) می‌توان مفاسد اقتصادی را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

۱. رویکردهای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی نسبت به مفاسد اقتصادی

از منظر بزه‌دیده‌شناسی، حمایت همواره بزه‌دیدگان به عنوان افرادی که در فرایند ارتکاب جرم حضور و مشارکت داشته‌اند، باید تحت تدابیر پشتیبان محور قرار گیرند. در همین راستا، ایجاد اعتماد در بزه‌دیدگان، در قبال جهت‌گیری نسبت به مفاسد اقتصادی و همچنین، ایجاد بستر و فضای آرامش و اطمینان‌آور روانی برای آنان، از جمله محورهای حمایتی در این عرصه است؛ زیرا همان‌گونه که بزه‌دیدگان می‌توانند در فرایند ارتکاب بزهکاری نقش‌آفرین باشند، این امکان وجود دارد که در این فرایند کاملاً منفعل بوده، صرفاً در آسیب و آماج جرم قرار گیرند. به همین دلیل است که حمایت از بزه‌دیدگان انکارناپذیر است.

۱.۱. اعتمادسازی نظام سیاسی- اقتصادی برای بزه‌دیدگان

آنگاه که یک شخص، خواه در مقام بالای دولتی و خواه در سطوح پایین نظام اداری و اقتصادی، مرتکب یک جرم اقتصادی می‌شود و با توجه به خصیصه‌ها و ویژگی‌هایی که این جرم

۱. گفتنی است که منظور از بزه‌دیدگان حقیقی اعتباری، آن دسته از شهروندان هستند که بدون مداخله مستقیم در فرایند بزه‌دیدگی از بزه‌دیده واقع‌شدن بیم دارند که در مقابل آن، بزه‌دیدگان حقوقی اعتباری قرار دارند و منظور از آن اشخاص حقوقی واجد تأثیر در امر اقتصادی هستند که همچون اشخاص حقیقی، ترس از جرم دارند.

دارد، آن را از یک مجرم اقتصادی به یک مفسد اقتصادی تبدیل می‌کند، بزه‌دیدگان همواره اعتماد خود را نسبت به نظام سیاسی و اقتصادی و سیاست‌گذاری‌های کلان و خرد از دست می‌دهند. نخستین اقدامی که کنشگران فرایند عدالت کیفری و سیاست‌گذاران در تمام عرصه‌های حاکمیتی باید نسبت به آنها اهتمام جدی ورزند، ایجاد فضای آرامش و امنیت در جامعه نسبت به بزه‌دیدگان اعتباری است؛ زیرا جامعه از گذر فضای التهاب‌آور و ناامنی‌های اقتصادی موجود ناشی از بروز مفسد اقتصادی همواره به‌دنبال آن است تا امنیت خود را به‌دست آورد.

در همین پرتو است که رویکردهای حمایتی نسبت به بزه‌دیدگان در بادی امر باید در چارچوب فرایند قضایی صورت پذیرد تا این اطمینان‌خاطر ایجاد شود که بزه‌دیدگان حقیقی و به طور کلی شهروندان یک نظام سیاسی، دارای امنیت اقتصادی هستند. همواره این پرسش در ذهن شهروندان ایجاد می‌شود که با وجود سختگیری در نظام گزینش اداری و استخدامی و همچنین وجود نهادهای نظارتی، اعم از نهادهای مسئول مربوط که به صورت مستقیم مداخله می‌کنند و نهادهای غیرمستقیم که در چارچوب قانون، نظارت‌های ساختاری و امنیتی نسبت به موارد مربوطه دارند، چطور امکان دارد که یک فردی به‌راحتی مفسد اقتصادی تلقی شود و ضررهای بسیار هنگفت و جبران‌ناپذیری را نسبت به سطح یک نظام سیاسی، اقتصادی و همچنین قضایی وارد کند.

بنابراین، اگرچه امکان واکنش نسبت به مفسد اقتصادی وجود دارد، اولین گرانیگاه مورد انتقاد شهروندان به‌عنوان بزه‌دیدگان اعتباری، دستگاه قضایی است که به‌دلیل ناکارآمدی و عدم مبارزه صحیح و چارچوب‌مند با مفسد اقتصادی، همواره مورد نقد و چه‌بسا خدشه قرار می‌گیرد. به‌همین دلیل است که قوانین کارآمد و ایجاد ساختار قضایی متناسب با جرم ارتکاب‌یافته، این اطمینان‌خاطر را به شهروندان می‌بخشد تا از گذر آن پیگیری‌های قضایی مربوطه در حال رسیدگی است.

بدون تردید سیاست‌گذاری بدون وجود تضمین، قابلیت اجرایی‌شدن ندارد. بنابراین، سیاست‌گذاران باید با وجود تضمینات کافی و لازم در عرصه سیاست‌گذاری‌شده این اطمینان را برای شهروندان فعال اقتصادی و این اعتماد را برای همگان ایجاد کنند که سیاست‌های

اقتصادی مربوطه مورد حمایت است و در صورت بروز هرگونه ناهنجاری و ضدهنجار با پاسخ‌های متناسب که شهروندان را راضی نماید، مواجه خواهند شد.

گام‌دردن افراد شایسته و صالح به موازات تخصص و گرایش‌های مربوطه و همچنین ایجاد سوابق اجرایی و علمی در راستای آنچه که برعهده گرفته‌اند، همواره اعتماد شهروندان را برخواهد انگیخت. بنابراین، این رهیافت‌های حمایتی از سوی نظام تقنینی و همچنین نظام اجرایی، اگرچه به صورت مستقیم بر بزه‌دیده‌شناسی حمایتی تأکید ندارد، اما همواره در وهله اول، ساختار نظام حاکمیتی را مورد حمایت قرار می‌دهد تا از گزند ورود و نفوذ مفسدان اقتصادی پیشگیری کند و به دنبال آن، ابزارها و سازوکارهای لازم را فراهم می‌کند تا شهروندان به تصمیمات سیاست‌ها و اعمال نظرهای آنان اعتماد کرده و ساختار اقتصادی را در چارچوبی نظام‌مند و ساختاریافته احساس کنند.

این احساس امنیت و آرامش اقتصادی رویکردی است که بزه‌دیده‌شناسی حمایتی همواره بر آن تأکید می‌کند؛ زیرا جرایم اقتصادی و به‌دنبال آن مفاسد اقتصادی همواره به دلیل وجود ظرفیت‌های بالای ارتکاب جرم، بزه‌کاران بالقوه را وسوسه، و از یک حالت انفعالی و ایستا به یک بزه‌کار بالفعل و توانا تبدیل می‌کند. این رهیافت، زمانی میسر خواهد شد که نظام سیاست‌گذاری در سطح کلان ضوابط و سطوح مختلف عالی و مادون را مورد توجه قرار دهد. بنابراین، همان‌گونه که نظریه فنون خنثی‌سازی^۱ تأکید می‌کند، چنانچه یک مفسد اقتصادی در رده بالا مرتکب جرم شود، به دلیل دست‌داشتن در فرایند ارتکاب جرم توانایی رویارویی و برخورد با افراد و مقام‌های زبردست خود را نخواهد داشت. به همین دلیل، دیدگاه‌های بزه‌دیده‌شناختی یاری‌گر سیاست‌گذاران خواهد بود.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص این نشریه، رک: نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی**، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، ویراست هفتم، ۱۳۹۱، صص ۶۰ و بعد؛ همچنین رک: ابراهیمی، شهرام، **تحلیل جرم‌شناختی جرایم مأموران نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی‌سازی**، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، **ارتقاء سلامت اداری نظام مالیاتی - مجموعه مقالات**، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۲، صص ۱۵ و بعد.

۱.۲. بستر سازی امن حمایت محور

نظام تولید، توزیع، عرضه و تقاضا در بستر محیط کسب و کار و به‌طور کلی، در سطح کلان سیاست‌گذاری‌های تقنینی و اجرایی همواره باید مبتنی بر اعتمادسازی و ایجاد یک فضای امن و چارچوب‌مند در عرصه نظام سیاسی - اقتصادی باشد. بنابراین، اگر نظام اقتصادی نسبت به شهروندان از یک‌سو و شهروندان نسبت به نظام سیاسی و اقتصادی از سوی دیگر، اعتماد نداشته باشند و با نگرشی نامطلوب نسبت به یکدیگر بنگرند؛ بدون تردید یک نظام اقتصادی آناشیش‌گرا متبلور و متولد خواهد شد؛ زیرا، هرج و مرج نظام اقتصادی نه تنها حمایت از همه شهروندان را به دنبال نخواهد داشت؛ بلکه، همواره نظام سیاسی را نیز به سوی انحطاط و فراموشی رهنمون خواهد کرد.

بنابراین، بسترهای استحکام، دوام و بقای یک نظام سیاسی باید در چارچوب امنیت‌محوری نظام اقتصادی و همچنین ایجاد یک فضای امن برای اعتماد شهروندان به این نظام باشد. چنانچه شهروندان احساس کنند که به هر دلیلی در فضا و محیط نظام اقتصادی در دسترس آنان، اعتماد و اعتباری وجود ندارد؛ همواره بر آن خواهند بود تا از سوی دیگری به غیر از نظام اقتصادی جاری، به کسب منافع و سودهای مالی و اقتصادی رهنمون شوند. به همین دلیل، بروز پدیده‌های مجرمانه‌ای همچون قاچاق کالا و ارز، جرایم مالی، جرایم مالیاتی، جرایم گمرکی، پولشویی و به‌طور کلی هر آنچه که نظام اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به دلیل بی‌اعتمادی شهروندان نسبت به نظام‌ها و سیاست‌گذاران اقتصادی ظهور و بروز خواهند کرد.

به این ترتیب، در راستای تحقق اهداف کلان و ایجاد ثبات در نظام اقتصادی و سیاسی باید بر این امر تأکید داشت که بزه‌دیدگان در عرصه نظام اقتصادی، از یک‌سو بزه‌دیدگان حقیقی و از سوی دیگر، بزه‌دیدگان اعتباری هستند. چنانچه در عرصه تحقق بزه‌دیدگی حقیقی، شهروندان عادی و غیرکُشنگر در عرصه اقتصادی، احساس کنند در چارچوب نظام اقتصادی امنیت خود را از دست می‌دهند، کنشگری در سایر عرصه‌ها نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و بنابراین، نظام‌های دیگر در کنار نظام اقتصادی با آشفتگی و چالش مواجه خواهد شد.

در همین راستا، باید توجه داشت که امنیت‌محوری نظام اقتصادی به معنای امنیت‌گرایی سیاسی - اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای آن است که سیاست‌گذاران رویکردهای امن و سازوکارهای اطمینان‌آور را اتخاذ کنند تا احساس بزه‌دیدگی به شهروندان دست ندهد و در پرتو

آن، همواره به نشاط و شادابی اجتماعی مبادرت ورزند؛ زیرا همان‌گونه که نظام اقتصادی به‌عنوان نظام زیربنایی محسوب می‌شود، سایر نظام‌ها نیز بر ابتدای آن بنا خواهند شد. به این ترتیب، وظیفه سیاست‌گذاران در سطح کلان است تا فضای امن اقتصادی در بسترهای سنتی - کلاسیک و مدرن را برای سرمایه‌گذاری شهروندان در جامعه و در همه سطوح ایجاد کنند تا آنان در کنار آرامش و امنیت اقتصادی، به کنشگری در دیگر عرصه‌ها بپردازند.

بدون تردید، بزه‌دیدگی ناشی از ناامنی در فضای اقتصادی که مفسدان اقتصادی به آن دامن خواهند زد، فضای ملتهب و ناهنجار را پدید خواهد آورد و تزلزل در بنیان‌های نظام اقتصادی، ستون‌های دیگر عرصه‌ها را نیز به لرزه می‌افکند. بر همین اساس است که پیشگیری از بزه‌دیدگی در عرصه اقتصادی (یعنی پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی)^۱ باید با دقت بیشتری در چارچوب قوانین ساختارمند و کارآمد مورد توجه و مطمحنظر سیاست‌گذاران واقع شود.

۲. پیش‌بینی قوانین بزه‌دیده‌مدار

اصولاً اغلب قوانین کیفری ناظر بر مرتکب رفتارهای مجرمانه و پیش‌بینی ضمانت‌اجراها - تضمینات کیفری برای او است و غالباً به‌طور مستقیم، از بزه‌دیدگان حمایت نمی‌کند. اما استثنائاً در پاره‌ای موارد همچون «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹» این امکان وجود دارد که گروه خاصی از شهروندان مورد توجه و حمایت کیفری قانون‌گذار قرار گیرند. با وجود این، برخی از جرایم که عموماً بزه‌دیده مشخص، مستقیم و معین ندارند - همچون جرایم اقتصادی - قوانین نوعاً ناظر بر سرکوب بزهکاران و حمایت از نظام و ارزش اقتصادی جامعه است و غالباً به شهروندان عادی غیرکنشگر در بستر نظام اقتصادی نمی‌پردازد. اما باید توجه داشت که این قوانین به‌دلیل ناکارآمد بودن و عدم توجه ویژه به بزه‌دیدگان، این رویکرد را فراهم می‌سازد که پیش‌بینی وضع قوانین ناکافی است و رفتارها و کنشگری نظام عدالت کیفری واجد اثر نخواهد

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری، دیباچه در: لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه احمد محمدی و روح‌الدین کرد علیوند، ج ۲، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸، ص ۹؛ همچنین رک: بسیونی، محمد شریف، بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، ج ۲، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳؛ رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرآیند کیفری، چ ۱، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱.

بود. در همین پرتو است که می‌توان از دو گزاره قوانین کیفی اقتصادی و تضمین‌های کیفی متناسب در پرتو رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی سخن به میان آورد.

۲.۱. قوانین کیفی اقتصادی

در پرتو اصل کیفی بودن قوانین، همواره دو مؤلفه قابل فهم بودن، یعنی بدون ابهام و شفاف بودن قوانین (اول) و در دسترس بودن و قابلیت رجوع همگان به قوانین (دوم)، یک اصل پذیرفته شده در تمامی نظام‌های حقوقی است.^۱ با وجود این، باید توجه داشت که قوانین باید به نحوی نگاشته شوند و به شیوه‌هایی تصویب، تدوین و تکوین یابند که همگان حتی افرادی را که تحصیلات دانشگاهی یا تحصیلات تخصصی در عرصه نظام‌های حقوقی و موضوعی که در خصوص آن، قانون وضع می‌شود، نداشته باشد، بتوانند با مطالعه متن قانون، توانا باشند تا محتوا و مفاد قانون را فهم کرده و نسبت به گام‌نهادن در مسیر صحیح قانونی مبادرت ورزند.^۲

با وجود این اصل، برخی از قوانین به دلیل پیچیدگی و ابهام در واژگان و سختی و دشواری در فهم، محتوا و مفاد قوانین، شهروندان عادی قائل به فهم و ادراک آن نیستند و بنابراین، چنانچه یک جرم یا یک فساد اقتصادی روی دهد و مفسدی اقتصادی متولد شود، شهروندان عادی به دلیل ناکارآمدی و عدم وجود قوانین نامناسب و شهروندمدار، احساس بزه‌دیدگی کرده، قانون‌گذار را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل بزه‌دیدگی خود تلقی می‌کنند؛ زیرا همواره بر آن‌اند که تولد یک مفسد اقتصادی، برآمدی از قانونی ناکافی بوده که حاکمیت بر آن وقع نهاده است. در همین پرتو می‌توان قانون مجازات اخلاالگران در نظام اقتصادی کشور ۱۳۶۹ را مورد نقد و بررسی اساسی قرار داد؛ زیرا این قانون از حیث اصول و موازین قانون‌نویسی انسجام ماهوی و شکلی ندارد و حتی می‌توان این قانون را مغایر بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری مصوب

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: چالش‌ها و راهکارها، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری - مجموعه مقالات، چ ۱، تهران: میزان، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۳.

۲. در این خصوص تفاوتی میان قوانین ماهوی و شکلی حقوق کیفری وجود ندارد. رک: ساقیان، محمد مهدی و سید پوریا موسوی، اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری: مبانی، مفاهیم و قلمرو، در: الفت، نعمت‌الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - مجموعه مقالات در یادنامه دکتر ناصر قربان‌نیا، چ ۲، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۶، ص ۶۳۵.

۱۳۹۸/۷/۶ مقام رهبری دانست. به این ترتیب، به نظر می‌رسد، اگرچه قانون اخیرالذکر در پرتو پاسخ‌دهی کیفری به مجرمان و مفسدان اقتصادی باشد، ضرورت ایجاد یک کُد (مجموعه قوانین) کیفری اقتصادی که نمایان‌گر تمایز میان مفسدان و مجرمان اقتصادی باشد، کاملاً وجود دارد. بدین‌سان، این فقدان تمایز، خود عاملی برای ایجاد سردرگمی شهروندان بزه‌دیده معین و نامعین نیز خواهد شد.

بر همین اساس است که قوانین باید به نحوی در حوزه سیاست‌گذاری‌های اقتصادی به رشته تحریر درآیند و در انظار عموم قرار گیرند تا مردم اعتماد و اعتقاد کافی بر این داشته باشند که سرمایه و اندوخته‌های خود را با اطمینان خاطر به نظام اقتصادی می‌سپارند. بنابراین، اگر قوانین کارآمد و کیفی در اختیار همگان قرار گیرد و نظام سرمایه‌داری با گردن‌سپاری به این قوانین، خود را مکلف به اجرای سیاست‌های نظام اقتصادی در پرتو نظام تقنینی و سیاست جنایی مرتبط با آن بداند، بدون تردید نظام اقتصادی از بُن‌بست فساد بیرون می‌آید و حتی مفسدان اقتصادی بالقوه نیز از ارتکاب بزه باز خواهند ماند و دیگر در مسیر بزهکاری قدم نخواهند گذاشت.

در این چارچوب باید توجه داشت که قوانین بدون ابهام و چالش‌برانگیز نه تنها ارزش‌های یک نظام اقتصادی را بالا می‌برد و افزایش ارتقا و سطح بهره‌وری سیاست‌های کلان را به دنبال خواهد داشت، بلکه این احساس امنیت را به شهروندان القا می‌کند که آنان از بزه‌دیدگی مصون‌اند و نباید همواره نگرانی و بیم از دست دادن سرمایه‌ها و اندوخته‌های خود را داشته باشند. از این منظر است که قوانین کیفی حتماً خنثی‌سازی بزهکاری‌های اقتصادی و از بین بردن و اضمحلال مفاسد اقتصادی را نمایان خواهد ساخت.

به همین دلیل است که وجود متخصصان مختلف از جهات گوناگون همچون اقتصاددانان، حقوق‌دانان، منطقیون و متخصصان زبان‌شناسی قادر خواهند بود قوانینی را به رشته تحریر درآورند تا شهروندان با مطالعه آن احساس آرامش کنند و بر سرمایه‌گذاری مطمئن از یک سو و در راستای پیشبرد اهداف نظام اقتصادی کشور از سوی دیگر، گام بردارند. بدین‌سان است که کیفی‌بودن قوانین، افزون بر هزینه‌زدایی‌های نظام اداری و استخدامی دستگاه اجرایی، نظام پولی و بانکی را با شفافیت بیشتری همراه خواهد کرد. در این پهنه، نظام پولی و بانکی بدون هزینه‌کردن هزینه‌های بسیار زیاد برای به‌کارگیری از اندیشه‌های کارشناسان مختلف به منظور

برطرف کردن خلأهای نظام تقنینی، با توجه به کیفی بودن و بدون ابهام بودن قوانین، می‌تواند آن هزینه‌ها را برای پیشبرد نظام اقتصادی مصرف نماید و برای ارتقای نظام اداری و استخدامی کادر خود، اطمینان خاطر بیشتری حاصل کند. این چنین است که رویکردهای بزه‌دیده‌شناسانه افزون بر شهروندان عادی، کنشگران عرصه اقتصادی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و بر ارتقای سطح نظام اقتصادی می‌کوشد.

۲.۲. تضمین‌های کیفری متناسب

بدون تردید، بر اساس رویکردهای عقلانی- منطقی به حقوق کیفری^۱ و در پرتو قواعد جرم‌انگار^۲ و کیفرگذار، قوانین و مقررات کیفری باید به گونه‌ای وضع و تدوین شوند و یک رفتار را جرم‌انگاری و کیفرگذاری کنند که با پاسخ متناسب و تضمینات کافی سیاست‌گذاران همگرایی داشته باشد. بنابراین، اگر یک رفتار بر اساس قوانین موجود جرم‌انگاری شود، ولیکن برای آن رفتار پاسخ و تضمین متناسب در نظر گرفته نشود یا اینکه صرفاً از گذر ممنوعیت‌انگاری نسبت به آن رفتار، واکنش نشان داده شود؛ بدون تردید قوانین کیفری را از کارآمدی و سامان‌دهی یک نظام سیاست‌گذار دور خواهد ساخت. چنان‌که سیاست‌گذاران جنایی ایران این چنین رویه‌ای را در خصوص طرح مبارزه با جرایم اقتصادی پذیرفته‌اند^۳ و شاید یکی از جهاتی که تاکنون این طرح به سرانجام نرسیده است، ناشی از همین رویه باشد.

این رویکرد که بدون تردید موجب ناکارآمدی سیاست جنایی خواهد شد، اگر مورد اصلاح و بازپژوهی قرار نگیرد، به بحران منتهی می‌شود.^۴ به همین دلیل است که در این پرتو باید قوانین

۱. صبوری‌پور، مهدی، **عقلانیت، در: جنیدی لعی و نیازپور، امیرحسین «به کوشش»**، دانشنامه سیاستگذاری حقوقی، چ ۱، تهران: انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۹، ص ۷۲۵؛ صبوری‌پور، مهدی، **عقلانیت در ارتکاب جرم**، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.

۲. محمدی، قاسم، **قاعده جرم‌انگار**، چ ۲، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵، ص ۳۵.

۳. خواجه‌نوری، یاسمن و سید پوریا موسوی، **چالش‌های بنیادین فراروی طرح مبارزه با جرایم اقتصادی**، در: نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، **سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی - مجموعه مقالات**، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۷، ص ۱۰۵.

۴. نجفی ابرنآبادی، علی حسین، **درباره رابطه همسازی سیاست جنایی با کارآمدی سیاست جنایی**، **دیپاچه در: لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چ ۱۱، تهران: میزان، ۱۴۰۱، ص ۶۵.

و مقررات کیفری در حوزه مفاسد اقتصادی با پاسخ‌های کیفری متناسب با رفتار ارتكابی همراه باشد. اگرچه در حوزه نظام عدالت کیفری اهداف متعدد کیفر برای یک بزه‌کار وجود دارد، به دلیل آنکه مفاسد اقتصادی با گستره عظیم بزه‌دیدگان اعتباری همراه است، پاسخ نامتناسب به یک مفسد اقتصادی، آلام و لطامات ناشی از این پدیده را تسکین نمی‌بخشد و بنابراین، بحران سیاست جنایی را متبلور خواهد ساخت.

ناگفته پیداست که در این گستره، هیچ‌گاه رویکرد و اندیشه کیفرگرایی و سختگیری کیفری ملاک نیست؛ بلکه همواره رویکرد نظام عدالت کیفری در حوزه مفاسد اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که از بروز این پدیده در آینده پیشگیری کند و سبک جنایی را منقطع سازد. بنابراین، کیفرگرایی بی‌مورد و بدون اندیشه عقلانی و عقلایی، آثار و فواید مطلوبی را به دنبال نخواهد داشت.

به همین دلیل، حتی اگر سخت‌ترین مجازات که عبارت از مجازات‌های سالب حیات، در خصوص مفاسد اقتصادی اعمال و اجرا شود، ولیکن قوانین ناکارآمد باشد یا از پاسخ متناسب برخوردار نباشد. بدون تردید. فرایند گذار از فکر و اندیشه مجرمانه به عمل جنایی، به صورت سلسله‌وار ادامه پیدا خواهد کرد. بنابراین، اگر نظام هزینه - فایده ملاک قرار گیرد، همواره سود و منافع یک مفسد اقتصادی بر این است که اشخاص بسیار زیادی را بزه‌دیده کند و از گذر این بزه‌دیدگی، خود، سود و مطامع بسیاری را به دست آورد. از این‌رو، بزه‌دیدگی شهروندان و اشخاص در این پرتو، اساساً برای یک مفسد اقتصادی هیچ‌گونه اهمیتی ندارد و آنچه که جسارت بروز فساد اقتصادی را در او تقویت می‌کند، عدم بازگشت اموال و منافی بوده است که بزه‌دیدگان بنا بر سود حاصله از نظام اقتصادی باید به دست می‌آوردند.

بر همین اساس، اگر قوانین و مقررات کیفری به گونه‌ای وضع شوند که مرتکب فساد اقتصادی در وهله اول درصدد جبران خسارات و لطامات وارده به بزه‌دیدگان باشد و سپس اندیشه‌هایی اعمال شود که او به بزه‌دیدگان اعتباری نیز اطمینان خاطر دهد که به هیچ‌وجه فساد اقتصادی تکرار نخواهد شد؛ به نظر می‌رسد که کارآمدی و سودمندی بیشتری نسبت به مجازات‌های سخت را به دنبال داشته باشد. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که در حوزه مفاسد اقتصادی، نظریه‌های شرمساری و بازپذیرکننده اجتماعی کارآمدتر و مطلوب‌تر از کیفرهای بدنی سنگین باشد؛ زیرا مفسد اقتصادی که نگرش «صفر و صدی» دارد، همواره بر این اندیشه است

که یا مجازاتِ سخت نسبت به او اعمال می‌شود و یا اینکه سودها و منافع بسیاری نسبت به وی سرازیر خواهد شد.

بدین‌سان، اگر نظام تقنینی و سیاست جنایی قضایی بر آن باشد که مرتکب را در قبال آحاد جامعه پاسخگو کند و او را نسبت به جبران خسارت بزه‌دیدگان حقیقی و اطمینان‌بخشی به بزه‌دیدگان اعتباری از عدم تکرار مفاسد اقتصادی ملزم سازد، کارآمدتر و مفید به فایده‌تر از مجازات‌های سخت و توانگیرانه است. به همین دلیل، رویکردهای بزه‌دیشناختی توأم و درآمیخته با نظریه‌های جرم‌شناسی، به مقام قضایی کمک خواهد کرد تا نسبت به سنجش حالتِ خطرناک بزه‌کار و در نتیجه، ایجاد فضا و بستر کافی برای شرمساری و «برچسب‌زنی مثبت» و همواره کارآمدتر مبادرت ورزیده شود.

از آنجایی که از گذر بروز پدیده مفاسد اقتصادی، نظام سیاست اقتصادی در عرصه‌های گوناگون، اعم از تولید، توزیع، عرضه و تقاضا از یک‌سو، بزه‌دیدگان حقیقی که اموال خود را در اثر این پدیده از دست داده‌اند، از سوی دیگر و در نهایت بزه‌دیدگانی که قصد سرمایه‌گذاری و کمک به بازتولید چرخه نظام اقتصادی را دارند، اطمینان خاطر از وجود امنیت اقتصادی داده نشود و بیم از دست‌دادن سرمایه‌ها فرو نریخته باشد، سیاست‌های اقتصادی محکوم به فروپاشی، شکست و اضمحلال است و بر همین اساس، در چارچوب رویکردهای بزه‌دیشناسانه و شناخت بزه‌دیدگانی که در این عرصه هراس‌مند هستند، همواره می‌توان به عالی‌ترشدن سیاست‌های اقتصادی کشور منتهی شود.

نتیجه‌گیری

بزهکاری‌های اقتصادی امروزه دامنه وسیعی پیدا کرده است و در چارچوب عناوین گوناگون بررسی می‌شوند. بروز پدیده مفاسد اقتصادی که در واقع، صورت شدت یافته بزهکاری‌های اقتصادی است، به موازات شدت در ارتکاب، گستره عظیم بزه‌دیدگی را نیز به دنبال دارد. بر همین اساس، گفتمان بزه‌دیده‌شناختی از این پدیده، ضرورت بازبینی در مفهوم جرم اقتصادی و مصادیق آن را ایجاب می‌کند.

بزه‌دیدگی بزه‌دیدگان ناشی از جرایم - به ویژه مفاسد اقتصادی - همواره به دلیل بروز عوامل درونی و بیرونی بزهکاری نیست؛ بلکه گاه، بزه‌دیدگی ناشی از ناکارآمدی و عدم تکافوی قوانین و ساختارهای موجود است که سیاست‌گذاران جنایی باید به آن توجه ویژه‌ای داشته باشند. همان‌گونه که وجود قوانین و ساختارهای زائد و اضافی فسادزا است و پیکره نظام اقتصادی را متزلزل می‌کند، در مقابل، فقدان قوانین و ساختارهای مناسب، بزه‌دیدگی‌های ناشی از مفاسد اقتصادی را تشدید می‌کند و افزایش می‌دهد. از این‌رو، باید سازوکارهایی دقیق، کارشناسانه و علمی اندیشیده شود تا از گذر آن قوانین و ساختارهای کلان و خرد نظام اقتصادی بازبینی، و نسبت به حذف یا افزودن ساختارهای مناسب مبادرت ورزیده شود. در همین راستا، به نظر می‌رسد که یکی از وظایف ستاد اقتصادی دولت را دائرمدار این گفتمان کرد.

پراکندگی قوانین و مقررات و همچنین وجود نهادهای موازی در چارچوب امور مربوط به سیاست‌ها و سیاست‌گذاری اقتصادی، یکی از مهم‌ترین عوامل بروز فساد اقتصادی و ظهور بزه‌دیدگان متعدد آن است؛ زیرا پیش‌بینی قوانین ناکافی و همپوشان از یک‌سو و فقدان نهادی منسجم برای مبارزه با مفاسد اقتصادی از سوی دیگر، مفاسد اقتصادی را که فردی محاسبه‌گر است، یاری‌رسانی می‌کند تا از گذر شناخت شکاف‌ها و خلأهای قانونی و ساختاری، به رفتار بزهکارانه خود، همت گمارد و بزه‌دیدگان وسیعی را متضرر سازد. از این‌رو، در چارچوب پیشگیری‌های بزه‌دیده‌شناختی در سطح کلان، پیشنهاد می‌شود تا مجموعه قوانین (کُد) جرایم اقتصادی تهیه و تدوین شده، کلیه پاسخ‌های کیفری، اداری، انتظامی، انضباطی و... را در این «کُد» گنجانده و همه رفتارهای خلاف هنجار اقتصادی در این پرتو شناسایی شود. چنان‌که

پیشنهاد می‌شود در چارچوب رویه «مجموعه قوانین» تمام مقررات شکلی و ماهوی مرتبط با جرایم و مفسد اقتصادی از جمله، تعریف مفسد در همین مجموعه قوانین جای گیرند. بزه‌دیدگان- اعم از معین و نامعین- در فرایند ارتکاب جرم و فساد اقتصادی گاه تأثیرگذار و گاه منفعل هستند. تأثیرگذاری از این نظر است که به دلیل عدم شناخت وافی نسبت به مسائل پیرامونی خود و فریب‌خوردگی ناشی از وسوسه‌های مالی، در چنگال فسادهای خرد و کلان اقتصادی اسیر می‌شود و افزون بر از دست‌دادن سرمایه‌های خود، آثار روانشناختی نامطلوبی نیز نسبت به آنان پدیدار می‌گردد. از این‌رو، چاره‌ای جز فراگیری و مطالعه در پهنه نظام اقتصادی و سرمایه‌داری ندارند تا از گذر آن بتوانند نسبت به بروز بزه‌دیدگی پیشگیری به عمل آورند. در همین چارچوب، بزه‌دیدگان اعتباری و منفعل نیز با استماع گزارش بزه‌دیدگی‌های حقیقی و سلب اعتماد از نظام اقتصادی، صدر تا ذیل نظام سیاسی اقتصادی را فاسد تلقی، و تلاش می‌کنند تا از هرگونه سرمایه‌گذاری و در نتیجه پیشرفت و توسعه نظام اقتصادی خودداری ورزند. به‌همین دلیل، مطالعه پدیده بزه‌دیده‌شناسانه مفسد اقتصادی در وهله یاری‌گر نظام اقتصادی در سطح کلان است که جای دارد در پژوهش‌های گسترده در مقاطع تحصیلات تکمیلی به این موضوع پرداخته شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ابراهیمی، شهرام، تحلیل جرم‌شناختی جرایم مأموران نظام مالیاتی از منظر فنون خنثی‌سازی، در: ابراهیمی، شهرام «به کوشش»، ارتقاء سلامت اداری نظام مالیاتی - مجموعه مقالات، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۲. افتخارچهرمی، گودرز و حسین ادیب، دولت رفاه، در: جنیدی، لعیا و نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی، چ ۱، تهران: انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۹.
۳. بسیونی، محمد شریف، بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، چ ۲، چ ۱، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳.
۴. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۱۲، تهران: انتشارات سمت، ۱۴۰۰.
۵. خواجه‌نوری، یاسمن و سید پوریا موسوی، چالش‌های بنیادین فراروی طرح مبارزه با جرایم اقتصادی، در: نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی - مجموعه مقالات، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۷.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، چ ۱، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۱.
۷. ساقیان، محمد مهدی و سید پوریا موسوی، اصل قانونی بودن آیین دادرسی کیفری: مبانی، مفاهیم و قلمرو، در: الفت، نعمت‌الله «به کوشش»، حج اندیشه؛ هم‌افزایی فقه و حقوق در تحقق توسعه و تعالی انسانی - مجموعه مقالات در بادنامه دکتر ناصر قربان‌نیا، چ ۲، قم: انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۶.
۸. صبوری‌پور، مهدی، عقلائییت، در: جنیدی لعیا و نیازپور، امیرحسین «به کوشش»، دانشنامه سیاست‌گذاری حقوقی، چ ۱، تهران: انتشارات معاونت حقوقی رئیس‌جمهور، ۱۳۹۹.

۹. صبوری پور، مهدی، **عقلانیت در ارتکاب جرم**، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۸.
۱۰. گسن، ریمون، **جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی**، ترجمه شهرام ابراهیمی، چ ۳، تهران: میزان، زمستان ۱۳۹۳.
۱۱. محمدی، قاسم، **قاعده جرم‌انگار**، چ ۲، تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵.
۱۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **از جرم‌مداری تا بزه‌دیده‌مداری**، دیباچه در: لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا، **بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی**، ترجمه احمد محمدی و روح‌الدین کرد علیوند، چ ۲، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۸.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: چالش‌ها و راهکارها**، در: **بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری - مجموعه مقالات**، چ ۱، تهران: نشر میزان، زمستان ۱۳۹۲.
۱۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **درباره رابطه همسازی سیاست جنایی با کارآمدی سیاست جنایی**، دیباچه در: **لازرژ، کریستین، درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چ ۱۱، تهران: میزان، ۱۴۰۱.
۱۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی**، در: **نیازپور، امیرحسین «به کوشش»**، **سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی - مجموعه مقالات**، چ ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۷.
۱۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **رویکرد بزه‌دیده‌شناختی به بزه‌های بدون بزه‌دیده**، در: **رهامی، محسن «به کوشش»**، **جرایم بدون بزه‌دیده**، چ ۲، تهران: میزان، ۱۳۸۹.
۱۷. ولیدی، محمدصالح، **حقوق کیفری اقتصادی**، چ ۲، چ ۱، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.

مقاله

۱۸. ابراهیمی، شهرام و صادق‌نژاد نائینی، مجید، «**تحلیل جرم‌شناختی جرایم اقتصادی**»، **مجله پژوهش حقوق کیفری**، دانشگاه علامه طباطبائی، ش ۵، ۱۳۹۲.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «**بزهکاری و شرایط اقتصادی (بحثی کوتاه درباره بزهکاری و بحران اقتصادی)**»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی**، ش ۹،

بهار و تابستان ۱۳۷۰.

جزوه درسی

۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، **تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی**، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری‌پور، سال تحصیلی ۸۴ - ۱۳۸۳، ویراست هفتم، ۱۳۹۱.

ب) منابع انگلیسی

Books

21. ANDREI, Tudorel, et al, *The Corruption - An Economic and Social Analysis*, Editura Economică, 2009.
22. Clancy, Laura, *The Welfare State Reader*, Third Edition Pierson Christopher, Castles Francis G. and Naumann Ingela K. (eds), Polity Press, Cambridge, 2014.
23. Doerner, William G. & Lab, Steven, *Victimology*, Anderson Publisher, Sixth Edition, 2012.
24. Karmen, Andrew, *Crime Victims: An Introduction to Victimology*, Wadsworth Publishing, 2009.
25. Rose-AcKerman, Susan (Eds), *International Handbook on the Economics of Corruption*, Edward Elgar Publishing, 2006.

Article

26. Wagle, Udaya R., *The Heterogeneity Politics of the Welfare State: Changing Population Heterogeneity and Welfare State Policies in High-Income OECD Countries, 1980-2005*, GPSA Journal The Georgia Political Science Association 2013-dec vol. 41, iss. 6, 2013.

Supporting Constructive Victims in Economic Crimes

Mahdi SABOORIPOUR (Assistant Professor of Law, Shahid Beheshti University)

Seyed Pouria MOUSAVI (Ph.D. student of Criminal Law and Criminology, Shahid Beheshti University)

Abstract

Political economic system needs to create capital in different fields to develop and promote globally. In recent decades, the emergence of abnormal phenomena related to the economic system, especially economic corruptions have made economic policies and policymaking confront serious challenges. These unpleasant effects include economic corruptions' victims' awareness and distrust against this system. An issue that prior to affect the real victims targets the economic system and reveals destruction causes of investment grounds and sustainable development. Thus, this article provides a general result of victimization and has a specific regard to Victimological approaches in economic corruptions to achieve deeper studies and practical approaches.

Keywords:

Victimology, Economic Crime, Economic Policy Makers, Collection of Economic Laws, Economic System

